

مرغ سحر

خاطرات پروانه بهار

www.ketab.ir

چاهکتاب

سرشناسه: بهار، پرنانه، ۱۳۰۷ -

عنوان و نام پدیدآور: مرغ - طرقات پروانه بهار.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگ - سری جهان کتاب، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.: مصور؛ ۱۴/۷ - ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۲۲-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: خاطرات پروانه بهار.

موضوع: بهار، پروانه، ۱۳۰۷ - - خاطرات

موضوع: خودسرگذشت‌نامه‌های داستانی فارسی

موضوع: Autobiographical fiction, Persian

رده‌بندی کنگره: PIR۷۹۶۳

رده‌بندی دیویی: ۸۷۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۳۵۷۳

انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری

جهانکتاب

رخ سحر

خاطرات پیران بهار

چاپ اول (ویراست جدید): زمستان ۹۸

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

تهران. صندوق پستی ۷۷۶۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۹۸-۹۷-۶۶۹۶۸۰

email: info@jahanekebab.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۲۲-۴

۴۰۰۰۰۰ ریال

فهرست

پیشگفتار / ۱۱

مقدمه / ۱۵

۱. خانه پدری / ۱۱
۲. کودکی ما / ۳۳
۳. اهمیت و نقش مادر در زندگی ما / ۵۳
۴. حبس / ۶۷
۵. ازدواج و جدایی / ۷۳
۶. بیماری پدر و خاطرات سوئیس / ۱۱۵
۷. بازگشت پدر به ایران / ۱۲۷
۸. آمریکا / ۱۴۷
۹. تحصیل در آمریکا / ۱۶۳
۱۰. جنبش زنان در آمریکا / ۱۹۷
۱۱. جنبش سیاه‌پوستان آمریکا / ۲۰۹
۱۲. قیام مردم آمریکا علیه جنگ ویتنام / ۲۳۱
۱۳. خاتمه / ۲۴۳
۱۴. سخن پایانی / ۲۴۹

پیوست / ۲۵۱

تصویرها / ۲۵۵

پیشگفتار

به یک نگرشی مرغ، سفر داستان سفر پروانه بهار، دختر جوانی است که در خانه پدری فرهیخته علم سیر (محمدتقی بهار، ملک الشعرا) و مادری توانا (سودابه صفدری-بهار) دیده به جهان گشاید. به دلیل بیماری هولناک پدر، پروانه این مجال را می‌یابد که همراه پدر به سفر رود و جهان خارج از مرزهای ایران را کشف کند. در مرحله اول کتاب، این سفر محدود به اروپاست و عمدتاً به منظور درمان پدر صورت می‌گیرد. می‌شود در چنین سفری دجاری اندوه شد یا خود را زیر حضور سنگین چنین پدری به فراموشی سپرد. اما این پویای پروانه، این سفر و هم‌صحبتی پدر را دستمایه رشد و خودسازی می‌کند تا جایی که تجربه کشف جهان شکلی آرمانی به خود می‌گیرد و در سال‌ها بعد سطر می‌یابد و تکرار می‌شود. نتیجه، انسانی است که ظرفیت جهان‌وطنی دارد و آداة ظالم‌ستیزی در معیاری بزرگ‌تر از مملکتی است که در آن به دنیا آمده.

به نگرشی دیگر، می‌شود مرغ سحر را اساساً ماجرای سفر درونی یک دختر جوان دانست که از جغرافیای بیرون بهره می‌گیرد تا جهان درون را بسازد و آن را به شهری روشن و پرحرکت بدل کند. به‌ویژه در قسمت دوم سفرهای خارج از ایران‌اش، پروانه که همراه همسر و پسر کوچکش به آمریکا آمده از آموختن آغاز می‌کند. مهم نیست که موضوع آموختن زبان انگلیسی، حقوق زنان و مردان، یا

فوت و فن کتابداری باشد. پروانه - بی آنکه فرزند یا همسرش را به بوتۀ فراموشی بسپارد - آن قدر می آموزد که بتواند بر پای خود بایستد و دروازه های شهری را که به دست خود ساخته به روی دیگران هم بگشاید. این مادر جوان، که حتی زبان انگلیسی را تا قبل از آمدن به آمریکا نمی دانسته، به یک رهبر بدل می شود و یک مایۀ امید برای هم زمانی که در آمریکا با ظلم دست به گریبان اند. در آمریکای آن سال ها پنجاه و شصت نژادپرستی و تبعیض علیه زنان بیداد می کند. کسانی که مانند این مشکلات را در همین روزها دنبال می کنند، می توانند عمق آن را در دهه های پیر تخمین بزنند. برای پروانه بهار اینکه این زنان هم وطنش نیستند یا سیاه پرستان او بستگی نژادی ندارند کوچک ترین اهمیتی ندارد. اصل این است که باید با ظلم مبارزه کرد.

دو نکته مهم دیگر درباره مرغ سحر قابل ذکر است. یکی اینکه زبانش گرم، انسانی و به دور از تکلف مانی است که گاه نویسندگان اسیرش می شوند. پروانه بهار اینجا هم آرمان خودش را دنبال می کند: بیان کردن افکار و احساساتش به صادقانه ترین شکل ممکن. من هم که در این راه از طریق ویرایش کتاب افتخار هم سفری این بانوی گران قدر و توانا صمیمی مند، تمام سعی خود را به کار بردم که روح صادق و شفاف اثر را حفظ کنم و صدای نویسنده را آن گونه که هست به گوش خوانندگانش برسانم. دوم آنکه برخورد نویسنده با تمام افرادی که در کتاب به آنها می پردازد با احترام همراه است. هیچ کس به دلیل اشتباهات یا کمبودهایش دستخوش تحقیر یا بی حرمتی نمی شود.

در پایان، یک اعتراف کوچک و یک گمانه زنی ساده. اعتراف منی آنست که وقتی ویرایش کتاب را به توصیه دوست نازنین سوگند صیرفی بی لحظه ای درنگ پذیرفتم، این هدیه کوچک ادای احترامی به حضور سترگ ملک الشعرا بود که همیشه از صمیم دل هنر، شهامت و انسانیتش را ستوده ام. اما هنوز به نیمۀ دوم کتاب نرسیده، نویسنده چنان مجذوبم کرد که دیگران را همه از یاد بردم. در پایان ویراستاری کتاب، خود را بیش از همه بهره مند یافتم.

و اما گمانه‌زنی. در تمام مراحل کتاب پروانه بهار به وجود آگاه، پرشهامت و اندیشه‌مند پدر افتخار می‌کند. تردیدی ندارم که اگر امروز ملک‌الشعرا در قید حیات بود و این کتاب را مرور می‌کرد او نیز به همین اندازه به وجود دختری به توانایی پروانه افتخار می‌کرد. مرغ سحر را به تمام کسانی که زندگی را دشوار می‌یابند و زیر بار سنگینش در خود توان حرکت نمی‌بینند از صمیم دل توصیه می‌کنم.

فاطمه کشاورز

مریلند، تابستان ۲۰۱۸